حسام اسلامی از تجربه ساخت «پروژه ازدواج» به «ایران» گفت

عشق نجات دهنده است؟

مریم مجد

نرگس عاشوری/ برای کسانی که به خاطر شرایط زندگی سال‌هاست محکوم به زندگی در فضایی چون مرکز نگهداری از بیماران اعصاب و روان هستند، عشق چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آدم‌هایی که به لحاظ روانی مشکلاتی دارند پایه نیازهای زندگی‌شان با آدم‌های متعادل تریکی است؟ موقعیت ازدواج را چطور می‌بینند؟ راهی برای فرار از تنهایی و رسیدن به آرامش؟ آدم‌هایی که سال‌هاست به خاطر بیماری ساده‌ترین حقوق زندگی‌شان را از دست داده‌اند، حق بچه‌دار شدن دارند؟ و مهم‌تر از همه تجربه عشق که از مهم‌ترین تم‌های ادبیات، سینما و در مجموع هنر بوده است چه تأثیری می‌تواند بر آنها داشته باشد؟ «پروژه ازدواج» روایت این آزمایش است. مطرح شدن پیشنهاد ازدواج بیماران در یک مرکز نگهداری از بیماران اعصاب و روان با مخالفت‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.

حسام اسلامی و عطیه عطارزاده - که زمانی از اولین عشق زندگی‌اش شنیده «عشق تنها چیزی است که بهت جرأت شکستن مرزهایی رو میده که بقیه برات ساختن» - با اطلاع از اجرایی شدن آزمایش پیشنهاد ازدواج در یک آسایشگاه روانی، به این مرکز رفته‌اند؛ بیش از دو سال با شخصیت‌های این مرکز همراه شده و به آنها نزدیک شده‌اند و بدون قضاوت این رویکرد با وفاداری کامل به واقعیت، قصه آنها را روایت کرده‌اند. «پروژه ازدواج» از ۲۱ تیرماه در ادامه طرح «اکران حقیقت»، به اکران آنلاین رسیده و در این مدت در لیست پرمخاطب‌ترین آثار مستند به نمایش درآمده قرار گرفته است. حسام اسلامی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه ساخت «پروژه ازدواج» گفته است.

■ **«پروژه ازدواج» با اینکه محصول همکاری دو فیلمساز است، خروجی منسجم و یکدستی دارد. چطور شد به این تصمیم رسیدید که فیلم با همکاری مشترک ساخته شود و چگونه چانه‌زنی‌های معمول برای رسیدن به فرم و روایت مطلوب در نهایت به این یکدلی در کار رسید.**

عطیه عطارزاده را از زمان دانشجویی می‌شناسم. در این سال‌ها چند پروژه مشترک هم کار کرده بودیم از جمله مجموعه مستند تلویزیونی «روان سفید» که موضوعش بیماران اعصاب و روان بود. چون موضوع فیلم جزو علایق مشترک‌مان بود و پیش از این تجربه همکاری داشتیم، به خاطر حضور کاراکترهای مرد و زن تصمیم گرفتیم برای ارتباط نزدیکتر با شخصیت‌ها این کار را هم به‌صورت مشترک بسازیم. دلیل یکدست شدن کار هم داشتن فرصت مناسب برای گفت‌وگو بود. در هر مرحله از روند تولید از فیلمبرداری تا تدوین زمان داشتیم تا حرف بزنیم، مشورت کنیم و به نتیجه برسیم. شاید اگر مجبور بودیم طی یکی دو ماه کار را به اتمام برسانیم، اختلاف سلیقه و فکر و نگاهمان بیرون می‌زد و دیده می‌شد.

■ **سراغ سوژه و شخصیت‌هایی رفته‌اید که کمتر درباره آنها صحبت شده است. مسأله عشق برای آدم‌های عادی هم چالش‌برانگیز است و تجربه این اتفاق برای آدم‌هایی که به لحاظ روان در وضعیت مناسب و تثبیت شده‌ای نیستند چالش‌های زیادی دارد. راجع به چرایی مهم شدن این سوژه و جذابیت‌هایش توضیح دهید.**

سرای احسان را از سال‌ها پیش می‌شناختم و به بهانه‌های مختلف؛ عکاسی، فیلمبرداری و... به آنجا می‌رفتم. اوایل سال ۹۶ متوجه شدم که قرار است چنین پروژه‌ای در آنجا اجرایی شود؛ البته از سال‌ها قبل حرف‌هایی مطرح شده بود اما از ابتدای سال ۹۶ بود که عملی شدن آن جدی‌تر شد. ما فیلمسازان دنبال آن هستیم که یک داستان جدید، یک روایت تازه و یک تجربه انسانی متفاوت را به مخاطب‌مان ارائه کنیم و آنچه در سرای احسان اتفاق می‌افتاد تجربه‌ای کمیاب و دست نیافتنی به نظر می‌رسید. از همان ابتدا معلوم بود که به خاطر مشکلات قانونی، پروتکل‌های پزشکی و مسائل روانی کار پردست‌انداز و پر دردسری خواهد بود اما نباید این فرصت را از دست می‌دادیم. هر چه هم جلوتر رفتیم ماجرا چالشی‌تر و قابل تأمل‌تر شد شاید در ابتدا پاسخ‌ها، چه موافق و چه مخالف روشن و جدی بود اما در این دو سال هر روز که می‌گذشت دادن پاسخ قاطعانه آره یا نه به این سؤال سخت‌تر می‌شد.

■ **این حس در مخاطب هم وجود دارد. شاید در ابتدای کار موضع مشخصی راجع به این پروژه داشته باشد اما با گذشت زمان و شناخت شخصیت‌ها بخصوص با روایت وفادارانه شما به واقعیت و نزدیک شدن به شخصیت‌ها، حس همدلی در مخاطب هم ایجاد می‌شود و از میان همه این شخصیت‌ها احتمالاً داستان سحر و سیف‌الله است که پررنگ‌تر می‌شود.**

از همان ابتدا مشخص بود که اشتیاق و عشقی که میان آنها وجود دارد می‌تواند کمک کند تا مخاطبان به این آدم‌ها احساس نزدیکی بیشتری کنند و خودشان را در آنها پیدا کنند. من و خانم عطارزاده هم خودمان را دور از آنها و همه آدم‌های این مجموعه نمی‌دیدیم. چنین حسی نداشتیم که این شرایط ویژه‌ای است که قرار نیست هیچ وقت برای خودمان اتفاق بیفتد. رابطه عاطفی بخش مشترکی است که می‌توان در بین همه آدم‌ها فارغ از اینکه به چه ملیت و شرایط و نسلی تعلق دارند، پیدا کرد. ترس از تنهایی ترسی است که همه آدم‌ها دارند. مطرح شدن همین وجوه مشترک انسانی در قصه باعث می‌شود مخاطب زود وصل شود و با شخصیت‌های اصلی ارتباط بگیرد.

■ **ضمن اینکه با قصه‌ای که خانم عطارزاده از گذشته خود و بستری شدن نامزد سابقش در مکانی مشابه تعریف می‌کند، مخاطب فکر می‌کند ممکن است هر کدام از ما به دلیلی گذرمان به اینجا بیفتد و این به همدلی با شخصیت‌ها کمک کرده است.**

برای ما خیلی مهم بود که این اتفاق برای مخاطب رخ بدهد که ما خودمان را جدا نبینیم. این رها شدگی و تنهایی آدم‌ها ممکن است به هر دلیلی اتفاق بیفتد و به خاطر از دست دادن تمام تعلقات‌مان، حوادث تلخ و بحران‌های بزرگ دچار اختلال عمیق روحی و روانی شویم. اصلاً این را دور از خودمان نمی‌دیدیم و فکر می‌کردیم آیینه‌ای است که ممکن است جلوی روی خودمان قرار بگیرد.

■ **در «پروژه ازدواج» این زیر لایه هم دیده می‌شود که سیستم‌ها می‌خواهند انسان‌ها را یکدست کنند. مدیران این پروژه تحقیقاتی و تجربی هم حتی، آدم‌ها را کانالیزه می‌کنند و در چهارچوبی مشخص آدم‌هایی را انتخاب می‌کنند که از نظر آنها عادی‌تر هستند و در این جامعه مثالی هم آدم‌های متفاوتی مثل سحر این شانس را از دست می‌دهند.**

وقتی راجع به یک جامعه با جغرافیای محدود از مدرسه و زندان گرفته تا آدم‌هایی که در یک جزیره گیر افتاده‌اند و... صحبت می‌کنیم، ناخواسته قیاسی بین جهان کوچکتر و بزرگتر که ما در آن زندگی می‌کنیم ایجاد می‌شود و این حس به وجود می‌آید که این قوانین، مدل ساده شده جهان بزرگتری است که ما در آن زندگی می‌کنیم. ضمن اینکه بحث‌های مربوط به ساختار قدرت و ارتباط آن با مردم و نهادهای دیگر همیشه برای سینما و جامعه‌شناسی جذاب بوده و نظرات فوکو و دیگر نظریه‌پردازها را تداعی می‌کند. آنچه برای خود من جالب بود این که در دنیای واقعی آدم‌ها اینقدر سیاه و سفید و ساده و تخت نیستند. بله مدیریت آنجا می‌خواهد ساز و کاری ایجاد کند که آدم‌ها هم‌شکل شوند ولی آن را به شکل ماشینی انجام نمی‌دهد بلکه بر مبنای تصمیمات انسانی است که بخشی از آن می‌تواند درست باشد، بخشی تلخ و بخشی غلط. همه اینها است که باعث می‌شود ساخت این فیلم برای من فیلمساز تجربه منحصر به فردی باشد.

■ **تمام شخصیت‌های زن «پروژه ازدواج» قوی‌تر از شخصیت‌های مرد هستند. در فیلم «تی تی» آیدا پناهنده هم که همزمان در حال اکران است شخصیت زن که ظاهراً نرمال نیست همچون زنان مستند شما در عشق‌ورزی و عاشقانگی شجاع‌تر از مردان قصه است. این به خاطر خصوصیت زنانه است یا اینکه احتمالاً فیلمساز زن این مستند توانسته ارتباط صمیمانه‌تری با شخصیت‌های زن برقرار کنند؟**

به نظر من هم بخشی از این شاخصه به خاطر جسارت زن‌ها در بیان احساسات‌شان است و اینکه از حرف زدن نمی‌ترسند. در هر جامعه و موقعیتی حرف زدن از درونیات برای مردها سخت‌تر است شاید در مسائل عادی مثل فوتبال، سیاست و اقتصاد راحت حرف بزنند و درباره توانمندی‌هایشان پرحرفی هم بکنند اما وقتی صحبت به مرحله عمیق احساسات‌شان به حس‌های پنهان و به ترس‌هایشان می‌رسد، یکهو ساکت می‌شوند و با نزدیکان‌شان هم نمی‌توانند آن را به اشتراک بگذارند، خانم‌ها اما این ویژگی را دارند که راحت حرف بزنند و از بار اندوه و غم‌شان کم کنند. این ویژگی در زنان و مردان این مجتمع هم محسوس بود با وجود اینکه سال‌ها به این سرا رفت و آمد داشتم و هم در بخش مردان و هم در بخش زنان حضور داشتم از همان ابتدا ارتباط با خانم‌ها خیلی راحت‌تر از آقایان بود.

■ **مثل شجاعت فیلمساز زن مستند که روایت تجربه خودش به کمک قصه آمده است.**

بله خیلی. لابد ایشان هم از من شجاع‌تر بودند (خنده).

■ **همان‌طور که در تصاویر اولیه مستند می‌بینیم که حاصل کار چند ساله شما قبل از «پروژه ازدواج» است و آن طور که خودتان در این گفت‌وگو اشاره کردید سال‌هاست آدم‌های این مرکز را از نزدیک می‌شناسید. بدون این سابقه ارتباط‌گرفتن با آنها سخت نمی‌شد؟**

اتفاقاً اغلب آنها آدم‌های خوش برخوردی هستند و از دیدار و معاشرت با آدم‌ها استقبال می‌کنند اما اگر بخواهید عمیق‌تر شوید و درونیات و عواطف‌شان را برای شما اظهار و افشا کنند نیاز به زمان دارد. نمی‌شود برای آن راه میانبر پیدا کرد. اتفاقاً خیلی اتفاق می‌افتد که یک عکاس، روزنامه‌نگار، قصه‌نویس، شاعر و... به آنجا سر بزنند، یکی دو روزی را با آنها بگذرانند تا اثری خلق کنند اما با شتاب نمی‌توان به مقصود مطلوب رسید. باید هر وقت تمایلی به حرف زدن نداشتند سکوت کرد، با آنها سیگاری کشید و دوباره فردا به دیدارشان آمد تا اطمینان کنند و حرف زدن را به‌عنوان وظیفه نبینند بلکه به‌عنوان درد دل ببینند. جدا از این مباحث، از همان ابتدا با خودمان شرط کردیم که همه چیز را برایشان توضیح دهیم، گفتیم که قرار است چنین فیلمی بسازیم، انگیزه‌مان چیست و چه تأثیری می‌تواند داشته باشد و... آنها هم خیلی جاها می‌فهمیدند که روایت قصه‌شان قرار است به چه دردی بخورد و گاهی حتی مشتاق بودند کمک کنند به اینکه فیلم بهتری ساخته شود.

■ **در این مستند ما را با شخصیت‌هایی آشنا کردید که سرنوشت‌شان برایمان مهم شده است. دوست داریم بدانیم سحر، مرجان، شخصیت زنی که می‌گوید «دوست دارم یکی عاشقم بشه ولی نمی‌دونم چطوری، دارم پیر می‌شم» و... هر کدام چطور با این اتفاق کنار آمده‌اند. برای فیلمساز این روند جدایی چطور اتفاق می‌افتد؟**

تا حد زیادی کرونا باعث شد یک خورده جدا بیفتیم آنقدر به همه آنها عادت کرده بودیم و برایمان دوست داشتنی بودند که بعد از اتمام کار مرتب بهشان سر می‌زدیم. به خاطر کرونا و رعایت پروتکل‌های شدید بهداشتی در ایام قرنطینه اجازه ورود و خروج نداشتیم و این عامل باعث شد کمی فاصله بیفتد اما ارتباط‌مان را حفظ کردیم. ذات کارمان همین است.

■ **فارغ از تمام نتایج علمی از طرح این پروژه، خودتان چه برداشتی از فضای این مکان در آن ایام داشتید؟**

از زمان کلید زدن این ماجرا مهم‌ترین تغییری که مشهود بود، این بود که حس می‌کردی آدم‌ها دارند زندگی می‌کنند و فقط قرار نیست آب و غذا و بهداشت‌شان تأمین شود. احساس‌شان این بود که زنده هستند و می‌توانند زندگی عادی داشته باشند. در پایان این پروژه بعد از دو سال دکتر رمضان‌نژاد هم اعلام کرد احتمال نمی‌داد پروژه به سرانجام برسد اما باز شدن همین درها و اجازه صحبت درباره آن به خودی خود یک اتفاق و گشایش در زندگی این آدم‌هاست.

درباره فیلم جدید و روانکاوانه «پدر استو»

راه رستگاری یک مشتزن عاصی

وصال روحانی
خبرنگار

فیلم جدید «پدر استو» که اولین تجربه بلند سینمایی روزالیند راس هنرمند زن امریکایی است، بر زندگی بوکسوری تمرکز دارد که وقتی ناملایمات پیرامون او فزونی می‌گیرد، می‌کوشد کشیشی کاتولیک شود اما این مسأله هم مانند انتخاب‌های متعدد قبلی او از رنج‌هایش نمی‌کاهد. این فیلم مکاشفه‌ای و روانکاوانه که مارک والبرگ هم بازیگر اصلی آن است و هم یکی از تهیه‌کنندگان عمده آن، واکنش‌های متفاوتی دریافت کرده و از دید برخی منتقدان کاری جذاب و قابل قبول است و دسته‌ای از اهالی سینما نیز آن را فیلمی مبتنی بر تظاهر و شعار و کاری تبلیغاتی دانسته‌اند. در نگاه به گیشه هم فروش آن در امریکای شمالی از ۴۰ میلیون دلار فراتر نرفته و در سایر قاره‌ها هم به رقمی بالاتر از ۳۵ میلیون دلار نرسیده است تا در نهایت این اثر در درجه اول به جوایز احتمالی و انفرادی از جمله بازی چشمگیر بازیگران فیلم چشم داشته باشد. این فرایند افزون بر والبرگ شامل مل گیبسون نیز می‌شود که نقش پدری سختگیر و بداخلاق را دارد.

صحنه‌ای از فیلم مذهب‌محور «پدر استو» با بازی مارک والبرگ و مل گیبسون

■ **درجست‌وجوی نقطه کمال**

بوکسوری که استوارت لانگ نام دارد و نقش او را مارک والبرگ بازی می‌کند در پی یک رستگاری روحی از طریق رویکرد به مذهب و پناه بردن به آیین کاتولیک‌ها است. این مشتزن عاصی پس از گذراندن دوران اوج و افتادن در سراشیبی نزول، دیگر روی خوش نمی‌بیند. از یک سو سرمایه‌گذاران از کمک مالی خودداری می‌کنند و از سوی دیگر خود او در هر مسابقه آنقدر آسیب می‌بیند که انگار قسمتی از وجودش را بی‌رحمانه دور ریخته‌اند. در این مرحله است که استوارت تصمیم می‌گیرد به لس‌آنجلس برود و بازیگر سینما شود و نقطه کمالی را که هرگز در مشتزنی به آن نائل نشده، در عرصه و شغل دیگری به‌دست بیاورد. در ادامه آشنایی او با کارمن (ترزا روییز) فرصت تازه‌ای را نصیب او می‌کند تا با ورود به کلیسای کاتولیک هم رضایت کارمن را برای ازدواج بگیرد و هم با کشیش شدن روح خود را از عذاب رهایی بخشد و به نوعی به رستگاری برسد. «پدر استو» به تعبیری تأثیر عمیق عنصر ایمان و نعمات رویکرد به مذهب را بر زندگی انسان به نمایش می‌گذارد.

■ **تفاوت‌های این فیلم با سایر آثار مذهبی**

طی ۲۰ سال اخیر در هالیوود فیلم‌های متعددی با مضامین مذهبی و با هدف نشان دادن نقش ایمان و تعهد در ارتقای روحی انسان‌ها و بری شدن آنها از برخی گناهان ساخته شده و استقبال زیادی هم از آنها صورت گرفته است. این فیلم‌ها اغلب با هنرپیشه‌هایی نه چندان معروف و هزینه‌ای کمتر از ۱۰ میلیون دلار ساخته شده‌اند و در اکثر موارد سه تا چهار برابر بودجه‌شان، فروش داشته‌اند. فرق آشکاری که «پدر استو» با اینگونه آثار دارد، این است که علاوه بر استفاده از هنرپیشه‌های مشهوری مثل والبرگ و گیبسون کاراکتر اصلی نه بر اساس ایمان و عزم واقعی‌اش بلکه به سبب الزام‌های روز و در راستای منافع شخصی‌اش به مسیحیت پناه می‌برد و تلاش او برای کشیش شدن نه چیزی خالص و بدون ریا بلکه پوششی بر هدف اصلی او که همانا ازدواج با زن دلخواهش است، صورت می‌پذیرد. واقعیاتی که مشخص می‌سازد درون و باطن استوارت لانگ همچنان آغشته به شائبه و تخلف است و او نه یک پدر روحانی و به تبع آن نه «پدر استو» بلکه مردی است که می‌خواهد از منافع چنین عنوانی برای ایمن نگه‌داشتن خود سوءاستفاده کند. فیلم روزالیند راس مدعی است که نوعی رستگاری روحی حتی برای این موجود غیرراسخ و فرصت‌طلب مقدور است اما بینندگان با دیدن اتفاقات و مسیرهای متضاد و حرکات دائماً در حال تغییر لانگ به نتیجه‌ای جز این می‌رسند. دیگر ایراد فیلم راس این است که شماری از اطرافیان لانگ هم به شکلی ناقص و محدود توصیف و ترسیم شده‌اند و این مسأله نیز بر ابهام‌های موجود پیرامون این مشتزن چندشخصیتی و سرگردان می‌افزاید و او را به گونه‌ای میان زمین و آسمان رها می‌کند.

مشخصات فیلم

■ **عنوان:** «پدر استو» (Father Stu)

■ **فیلمنامه‌نویس و کارگردان:** روزالیند راس (Rosalind Ross)

■ **بازیگران:** مارک والبرگ، مل گیبسون، جکی ویور، مالکوم مک داول، ترزا روییز، آرون موتن، کودی فرن و نیکو نیکوترا

■ **محصول:** کمپانی‌های کلمبیا و سونی پیکچرز

معرفی سرپرست گروه سینمایی هنر و تجربه

محمد حمیدی‌مقدم مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، طی حکمی محمد طیب را به‌عنوان سرپرست گروه سینمایی هنر و تجربه معرفی و منصوب کرد. در حکم مدیرعامل مرکز گسترش خطاب به محمد طیب، بر توسعه کیفی فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی اکران گروه سینمایی هنر و تجربه برای عرضه فیلم‌های ارزشمند و غیرتجاری، گشایش افق‌های جدید در دیدگاه سینمایی به منظور تقویت مسیر توسعه زبان سینما و ارتقای دانش و کیفیت هنری سینمای ایران، طراحی و حمایت از برنامه‌های تبلیغات و اطلاع‌رسانی آثار در دوره اکران، تأکید شده است. فعالیت در حوزه تولید و پخش بین‌المللی، همکاری با شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی صداوسیما، مدیریت بین‌الملل جشنواره‌های متعدد سینمایی و مدیریت بخش آنلاین چهاردهمین و پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت از جمله سوابق محمد طیب است./ روابط عمومی

بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از کتابخانه «فاطمه‌ها» در روستای دهکهان

وزیر فرهنگ وارشاد اسلامی عصر جمعه در ادامه سفر استانی دولت مردمی به استان کرمان و در راستای تحقق شعار عدالت فرهنگی و حمایت از استعدادهای نقاط مختلف کشور و توسعه فضاهای فرهنگی در مناطق کم‌برخوردار، ضمن بازدید از کتابخانه «فاطمه‌ها» واقع در روستای دهکهان شهرستان کهنوج بر تجهیز و توسعه این کتابخانه تأکید کرد.

محمدمهدی اسماعیلی در این بازدید به پیشینه کتابخانه «فاطمه‌ها» اشاره کرد و گفت: «حدود ۱۲ سال پیش بود که سه دختر نوجوان به اسم «فاطمه» با راه‌اندازی کتابخانه کوچک «فاطمه‌ها» در روستای دهکهان شهرستان کهنوج خبرساز شدند. خوشبختانه طی این سال‌ها این همت والای «فاطمه‌ها» تبدیل به نهضت مردمی راه‌اندازی کتابخانه در برخی مناطق کم‌برخوردار کشور شده است. بدون تردید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره جدید همواره حامی ابتکارات ارزشمند مردمی در حوزه توسعه فضاهای فرهنگی و هنری خواهد بود و برای تجهیز و توسعه اینگونه اقدامات از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.»/ ایبنا

آمار هفتگی فروش نمایش‌های تئاتر چهار تماشاخانه تهران اعلام شد

«شکوفه‌های گیلاس» در صدر

نمایی از «شکوفه‌های گیلاس» به کارگردانی محمد مساوات

گروه فرهنگی: آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش‌های به صحنه رفته در تالارهای اصلی، چهارسو، قشقایی، سایه و کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر، تماشاخانه سنگلج و همچنین تالار هنر به تفکیک اجراها اعلام شد. به گزارش ایران تئاتر روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، نمایش «شکوفه‌های گیلاس» به کارگردانی سیدمحمد مساوات که از ۳۰ تیرماه اجرای خود را در تالار اصلی با ظرفیت ۵۷۹ تماشاگر و قیمت بلیت ۱۲۰ هزار تومان آغاز کرده است تا امروز با مجموع ۱۵ اجرا (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) و میزبانی از ۶ هزار و ۸۳۲ تماشاگر به فروشی معادل ۷۴۶ میلیون و ۸۸۰ هزار تومان دست پیدا کرده است. نمایش «آلنده نازنین» به کارگردانی محمد برهمنی که از روز ۱۷ تیرماه در تالار چهارسو با ظرفیت ۱۳۲ نفر آغاز کرده تا امروز با مجموع ۲۶ اجرا (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) ۳ هزار و ۳۳۸ تماشاگر و ۲۴۸ میلیون و ۳۲۰ هزار تومان فروش داشته است. نمایش «تب» به کارگردانی رؤیا کاکاخانی نیز که از روز ۲۴ تیرماه اجرای خود را در تالار قشقایی با ظرفیت ۹۶ نفر آغاز کرده تاکنون (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) ۲۱ نوبت اجرا و میزبانی از یک هزار و ۹۰ تماشاگر به فروشی معادل ۶۱ میلیون و ۳۱۳ هزار تومان دست پیداکرده است. نمایش «الکترا» به کارگردانی فرزاد امینی که از روز جمعه هفتم مردادماه در تالار سایه با ظرفیت ۷۲ نفر و قیمت بلیت ۶۰ هزار تومان روی صحنه رفت با ۹ اجرا، ۴۳۸ تماشاگر (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) به فروشی معادل ۲۴ میلیون و ۵۰۴ هزار تومان رسیده است. نمایش «جانور» به کارگردانی کیانوش ایازی که از روز ۲۱ مرداد در کارگاه نمایش با ظرفیت ۲۶ نفر و قیمت بلیت ۵۰ هزار تومان روی صحنه رفته بود با مجموع یک اجرا (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) و ۲۵ تماشاگر یک‌میلیون و ۲۵۰ هزار تومان فروش داشته است. نمایش «پایین گذر سقاخانه» به کارگردانی رضا بهرامی هم که از بیستم مردادماه در تماشاخانه سنگلج با ظرفیت ۲۳۶ نفر روی صحنه رفته است (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) دو نوبت اجرا و ۱۸۵ تماشاگر به فروشی معادل ۷ میلیون و ۵۳۴ هزار تومان دست پیداکرده است. نمایش «غول نخودفرنگی» به کارگردانی حسین فدایی حسین هم که از روز ۹ تیرماه با قیمت بلیت ۳۰ هزار تومان در تالار هنر روی صحنه رفت، تاکنون با مجموع ۲۴ اجرا و ۳ هزار و ۶۲ تماشاگر (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) به فروشی معادل ۷۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان دست یافته است. نمایش «پنگوئن‌ها» به کارگردانی زیبا برجی‌فلاح نیز که از روز جمعه دهم تیرماه اجرای خود را با قیمت ۳۰ هزار تومان در تالار هنر روی صحنه برده، تاکنون با مجموع ۲۵ اجرا و ۳ هزار و ۶ تماشاگر (با احتساب ارائه بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و میهمان) به فروشی معادل ۶۶ میلیون و ۶۱۴ هزار تومان دست پیدا کرده است.

برگزاری یادمان زنده‌یاد محمدعلی کریم‌خانی

چهلمین برنامه «آیین آواز» ویژه یادمان زنده‌یاد محمدعلی کریم‌خانی در فرهنگسرای اندیشه تهران برگزار می‌شود. مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی‌هنری شهرداری تهران با مشارکت فرهنگسرای اندیشه چهلمین برنامه «آیین آواز» (نشست تخصصی آواز در موسیقی دستگاهی ایران) را روز سه‌شنبه (۲۵مرداد) ساعت ۱۸ به میزبانی فرهنگسرای اندیشه برگزار می‌کند. بهمن کریم‌خانی شاعر، خواننده و فرزند زنده‌یاد محمدعلی کریم‌خانی و همچنین رضا مهدوی موسیقیدان و پژوهشگر، سخنرانان این برنامه هستند./ ایرنا

پایان فیلمبرداری فیلم کوتاه «عکس‌العمل»

فیلمبرداری فیلم کوتاه «عکس‌العمل» به کارگردانی علی امیری به پایان رسید و این فیلم برای نمایش آماده می‌شود. محمدرضا یکانی تهیه‌کننده این پروژه، هدف از ساخت این فیلم را ادای دین به مادرانی دانست که با هر سختی و مشقتی بار زندگی را به دوش می‌کشند. سحر حق‌شناس، کارن علمدار، محمدمحسن نوابی، مهدیار قلیچ‌خانی، یگانه پورحیدری، اکرم خسروی، مسعود رضایی، علیرضا مهان، امیرارسلان میرحسینی و مهرسا اشکذری از جمله بازیگران این فیلم کوتاه هستند. فیلم کوتاه «عکس‌العمل» بیانگر زندگی زن جوانی است که همسر خود را از دست داده و به دلیل مشکلات و بار زندگی خود و بچه‌هایش تصمیم می‌گیرد سر کار برود ولی .../ روابط عمومی